

ارزیابی شاخص های امنیت بر ارتقاء تعاملات اجتماعی عرصه های همگانی شهری

(مطالعه موردی: محله دوهزار شهر بندرعباس)

شهلا اقتدار بختیاری

دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

زهرا سادات سعیده زرآبادی

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(نویسنده مسئول) z.zarabadi@srbiau.ac.ir

حمید ماجدی

استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

چکیده

امنیت یکی از مهم ترین عوامل سازنده کیفیت مطلوب عرصه های همگانی است که در حضور شهروندان موثر است. هدف از این مقاله تحلیلی بر رویکرد امنیت از طریق طراحی به منظور ارتقا تعاملات اجتماعی در عرصه های همگانی می باشد. رویکرد این پژوهش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه "محقق ساخته" است. جامعه آماری پژوهش ساکنان محله دوهزار شهر بندرعباس می باشد که طبق فرمول کوکران و به روش نمونه گیری تصادفی ساده ۳۷۶ پرسشنامه در این محدوده توزیع گردید. و سپس با استفاده از نرم افزار spss و Smart PLS اطلاعات جمع آوری شده، تحت مدل مفهومی مورد آزمون قرار گرفته شد. نتایج حاصل از معادلات ساختاری و آزمون اسمارت پی ال ای نشان داد که شاخص های مدیریت و نگهداری، امنیت فیزیکی، نظارت و متغیر ورودی / خروجی به ترتیب میانگین بیشترین و کمترین تاثیر را در افزایش ایمنی و ارتقاء تعاملات اجتماعی را دارند. همچنین برای تمامی روابط مورد نظر این مطالعه معناداری بزرگتر از ۱/۹۶ بوده و این امر نشان دهنده معنی داری روابط در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. از نظر کاربران قلمروپائی هیچ رابطه معنی داری با متغیر وابسته ندارد و اثرگذاری عامل قلمروپائی مورد قبول واقع نشد.

کلیدواژه: تعاملات اجتماعی، امنیت، عرصه های همگانی، معادلات ساختاری، شهر بندرعباس.

مقدمه

شهر باید ایمن باشد که هرکسی؛ چه زن و چه مرد و یا کودک بتواند در هر ساعت از شبانه روز، در کوچه، بازار، خیابان و محله تردد کند. بنابراین امنیت اولین عاملی است که موجب می شود انسان ها کنار هم، از نیروی هم کمک بگیرند، در مسئولیت های اجتماعی مشارکت کنند تا آسوده تر و متعهدتر زندگی کنند. همانطور که یک خانه و همه فضای داخلی آن، پناهگاه امنی برای خانواده و مهمانان فراهم می کند، شهر و فضای آن هم باید ایمنی و امنیت را به طور مشابه برای همه ی ساکنان و ناظران فراهم کند (احدنژاد روشنی و همکاران، ۱۳۹۴). مطالعات مربوط به شهرها در سراسر جهان اهمیت زندگی و فعالیت را به عنوان یک جاذبه شهری روشن می کنند. مردم جایی جمع می شوند که اتفاقی می افتد و خود به خود به دنبال حضور دیگران هستند (گیل، ۱۳۹۴). سنجش یک شهر در کیفیت (عرصه ها) مکان های عمومی آن است، مکان هایی که برای همه قابل دسترس است. و غریبه ها و شهروندان با اندکی محدودیت بتوانند به آن وارد شوند (ذکاوت و توزنده جانی، ۱۳۹۷). محدوده ی عرصه ی عمومی بین خلوت زندگی فردی و خانوادگی و دولت است (Carmona, ۲۰۱۴). مهم ترین عامل در کیفیت عرصه های همگانی، امن بودن عرصه ها، که یک کیفیت ادراکی و بصری است، می باشد. به عقیده مازلو (۱۹۶۸) هنگامی که نیازهای فیزیولوژیک برآورده شوند، بلافاصله مردم توجه شان به برآورده ساختن و ارضای نیازهای سطح بالاتر، نظیر امنیت خواهد شد. و امنیت در این عرصه ها، گروه حضور شهروندان و بقاء حیات جمعی در این فضاها می باشد (حنایی و اکبری، ۱۳۹۸). عرصه همگانی فرصتی برای توسعه ابعاد اجتماعی فرد به لحاظ تعاملات اجتماعی و تجربه مشارکت در حیات جمعی در شهرها هستند و تنها یک مفهوم کالبدی نیست؛ بلکه کنش تعاملات شهروندی و فعالیت های شهری را نیز در بر می گیرد (لشکری و همکاران، ۱۳۹۷). عرصه همگانی بر روابط بین شخصی در مکان های عمومی به عنوان عنصر اصلی و پیوند زندگی اجتماعی تأکید می ورزد. لذا حضور و تعامل شهروندان از مهمترین عوامل مؤثر در کارایی و مطلوبیت یک عرصه همگانی و سلامت جامعه شهری محسوب می گردد (لشکری و همکاران، ۱۳۹۶). جرم و ناملايمات و انحرافات شهری و جنایات به دلایل اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و اقتصادی پدیدار می شود، از جمله این عوامل می توان به معیارهای محیطی اشاره کرد. محله ها و مناطق مختلف یک شهر از لحاظ بزهکاری با یکدیگر متفاوت بوده و بعضی از آنها جرم خیزتر هستند. بنابراین، احتمال بزهکاری افرادی که در محله های پرجمعیت و فقیرنشین شهرها یا در آلونک ها و زاغه های حاشیه شهرهای با حداقل امکانات رفاهی زندگی می کنند، به مراتب بیش از افرادی است که در محله های کم جمعیت و مرفه شهرها سکونت دارند (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۶). به کارگیری فعالیت های اجتماعی در عرصه های عمومی و مناطقی با دید و نظارت کم و استفاده از طراحی محیطی مطلوب در جهت تشویق مردم برای حضور در عرصه های عمومی شهری، علاوه بر از بین بردن فعالیت های مجرمانه، منجر به انجام فعالیت های اجتماعی می شود (عزیززاده و همکاران، ۱۳۹۴).

رویکرد امنیت از طریق طراحی^۱، استفاده هوشمندانه از فضای انسان ساخت به منظور ارتقاء امنیت شهری در محیط مصنوع می باشد. ایده اصلی این رویکرد این است که محیط فیزیکی نقشی مهم در وقوع جرم بازی می کند (جلوداران، ۱۳۹۶). این رویکرد می تواند با به کار گیری بهینه محیط مصنوع در کاهش جرایم شهری نقش اساسی را داشته باشد، و به تبع آن افزایش تعاملات اجتماعی و رضایت مندی شهروندی را نیز به دنبال خواهد داشت. این پژوهش با هدف شناسایی اصول امنیت از طریق طراحی و تاثیر این اصول بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در عرصه های همگانی و ارائه راهکارهای پیشنهادی برای افزایش امنیت در عرصه های همگانی محله دوهزار شهر بندرعباس انجام شده است. بنابراین در این پژوهش به سوال زیر پاسخ داده می شود:

آیا بکارگیری اصول امنیت از طریق طراحی، تعاملات اجتماعی در عرصه های همگانی را افزایش خواهد داد؟

پیشینه تحقیق

سعی گردیده در ذیل به یکسری از مطالعات در زمینه امنیت از طریق طراحی، تعاملات اجتماعی و عرصه های همگانی که قرابت موضوعی و معنایی با پژوهش مذکور دارند، پرداخته شود:

یو و فنگ^۲ (۲۰۱۷) در مقاله ای تحت عنوان "پویایی امنیت عمومی در شهرها، مورد مطالعه: شانگهای از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰" بیان می کنند که این موضوع که در سال های اخیر شهرهای چین با چالش هایی روبه روست، از جمله جرم و بزهکاری شهری، امنیت عمومی شهری و فجایع شهری که توجه جامعه عمومی را به خود جلب کرده است. در نتیجه سعی شده که با افزایش توسعه اجتماعی، امنیت را افزایش داده و جرم و بزهکاری را در سطح شهر کاهش دهند. فوستر^۳ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "امنیت در عرصه های همگانی استرالیا" بیان می کنند با افزایش مداخلات اجتماعی و تصمیم گیری های مناسب می توان ترس از جرم را کاهش و میزان پیاده روی و تعاملات اجتماعی را افزایش داد. آرمیتاژ و مونچاک^۴ (۲۰۱۰) به بررسی تاثیر رویکرد امنیت از طریق طراحی در یک دوره ده ساله (۱۹۹۹-۲۰۰۹) می پردازند. و طی این دوره ده ساله نتیجه این رویکرد کاملاً مثبت ارزیابی شده است. ریچل آرمیتاژ^۵ (۲۰۰۴) در رساله دکتری با عنوان "امنیت از طریق طراحی، بررسی تاریخ، توسعه و نقش آن در آینده در جهت کاهش جرم"، با هدف پیشگیری از جرم از طریق امنیت از طریق طراحی^۱ می پردازد. و اصول امنیت از طریق طراحی را برای نخستین بار مطرح می کند. صفائی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی و ارزیابی مولفه های فضای عمومی شهری در راستای شکل گیری تعاملات اجتماعی می پردازند. نتایج تحقیق نشان می دهد مدیریت شهری نقش بسیاری داشته و می تواند از طریق مشارکت مردمی و برنامه ریزی مناسب و دقیق زمینه ارتقا تعاملات اجتماعی را با خلق فضاهای شهری مناسب و بالابردن کیفیت فضاهای عمومی شهری فراهم نماید. مشک سارو همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان "بررسی کیفیت فضا بر تعاملات اجتماعی (نمونه موردی: فلکه

^۱. Secured by Design (SBD)

^۲. Yu & Fang

^۳. Foster

^۴. Armitage & Monchuk

^۵. Rachel, Armitage

^۶. Secured by Design (SBD)

اطلسی شیراز) "به بررسی و تقویت فضاهای شهری به عنوان یکی از مهم ترین عوامل شهری در احساس شادابی و سرزندگی شهروندان می پردازند. پژوهش رحیمی (۱۳۹۹) در راستای پاسخگویی به سوال اصلی پژوهش "آیا می توان از طریق طراحی فضای عمومی شهری مناسب، باعث افزایش تعاملات اجتماعی شد؟" شکل گرفته شده است که نتایج تحقیق ایشان نشان می دهد، شاخص نگهداری و مراقبت از فضا، شاخص سرزندگی و زیبایی بصری بیشترین تاثیرگذاری را در افزایش تعاملات اجتماعی دارند. شادکام و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان "بررسی ارزیابی معیارهای تاثیرگذار بر تعاملات اجتماعی در عرصه های همگانی" بیان می کنند که عرصه همگانی فرصتی برای توسعه ابعاد اجتماعی فرد به لحاظ تعاملات اجتماعی تجربه مشارکت در حیات جمعی در شهرها هستند. ذبیحی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به عنوان ارائه مدل تحلیلی برای ارتقاء امنیت شهری از طریق رویکرد امنیت طراحی" اذعان دارند که رویکرد امنیت از طریق طراحی، می تواند نقش بسزایی در ایمن سازی فضاهای شهری داشته باشد.

مبانی نظری

تعاملات اجتماعی یا همان روابط گروه اجتماعی، به روابط نزدیک و حمایت عاطفی دوستان و همسایگان اشاره دارد که در اشتراک گذاری دیدگاه ها و تقویت عقاید افراد مهم هستند (Macias & Williams, ۲۰۱۶: ۳۶۵). تماس اجتماعی سرآغاز برقراری تعامل اجتماعی بین افراد است که منجر به شکل گیری روابط اجتماعی می شود. امروزه مردم به عرصه های عمومی (همگانی) تنها به عنوان مسیری برای گذرورسیدن به مقصد می نگرند. این فضاها به جای آنکه مردم را به مکث و برقراری تماس اجتماعی دعوت کنند، آنان را به عبور و می دارند. در این صورت دیگر تجربه برخورد، دیدن و دیده شدن، برقراری تعاملات اجتماعی که از مهمترین نیازهای انسان اجتماعی هستند، حاصل نمی شود و در نتیجه عرصه های عمومی (همگانی) شهری به فضاهایی بی رونق و خالی از شور و نشاط تبدیل شده است (نگاری و مجیدی، ۱۳۹۵). از دیدگاه توماس کوهن^۱ فضای شهری را می توان بستری محاط شده به وسیله عناصر شهری دانست که در آن روابط و فعالیت های اجتماعی متبلور شده و شکل می یابند (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴). هال^۲ درمبحث تعاملات جمعی درفضا، فضاها را به دودسته محیط های اجتماع پذیر و محیط های اجتماع گریز دسته بندی نمود (محمدی و آیت الهی، ۱۳۹۴). کرمونافضاها عمومی امروز را به عنوان عرصه های همگانی می داند که این عرصه ها به "مکان و محیط زندگی اجتماعی" اطلاق می شوند. تعاملات اجتماعی می تواند درفضا شکل بگیرد و همچنین توسط شکل فضا مورد تهدید قرار گیرد و یا فضا واسطه ی انجام برقراری روابط اجتماعی گردد (Carmona, ۲۰۱۴).

استفان کار به تحقیق روی کارکرد و طراحی عرصه های همگانی می پردازد. کار، مکان سوم را معرفی می کند و معتقد است عرصه های عمومی بیرونی، در ذهن مخاطبان به مثابه مکانی برای فراغت از چالش های روزمره جلوه می کند؛ بنابراین شهروند در این عرصه با دیگران آزادانه و دلخواه به تعامل می پردازد، خرید و فروش می کند، غذا می خورد، پیاده روی و دوچرخه سواری می کند و یاهر

^۱. Thomas Cohen

^۲. Hall

فعالیت دیگری که در چارچوب عرف و هنجار باشد بصورت دلخواهانه قابلیت انجام خواهد داشت. پس عرصه های عمومی معنادار، دموکراتیک و پاسخگو به نیازهای فردی هستند. کنشگران در عرصه عمومی (همگانی) و در جریان تعاملات اجتماعی، ارضای نیازهای شخصی را دنبال خواهند کرد. همچنین پنج نیاز اساسی مردم را که در عرصه عمومی باید به آن پاسخ گفت چنین می شمارد: راحتی، آسودگی، مشارکت غیرفعال با محیط، مشارکت فعال، اکتشاف. تعاملات اجتماعی در کاملترین تعریف خود، در عرصه های شهری به منصفه ی ظهوری رسند، از این رو می توان عرصه ی شهری را مکان ظهور تعامل اجتماعی قلمداد نمود و این چنین است که عرصه ی شهری علاوه بر تأثیر پذیرفتن در شکل گیری خود از تعاملات اجتماعی، به آن شکل می دهد (اکبری ریابی و امیرعزیدی، ۱۳۹۸). یان گل در کتاب "زندگی در میان ساختمانها" انواع فعالیت هایی قابل انجام در عرصه های همگانی شهری را به سه دسته ضروری، انتخابی و اجتماعی تقسیم می کند که از این میان نقش دسته های دوم و سوم را در کیفیت بخشی به فضاهای شهری متمایز می داند. جین جیکوبز؛ پیاده روها را عامل ایجاد امنیت و تقویت تعاملات اجتماعی می داند (اکبری وحنایی، ۱۳۹۸). به طور کلی اهمیت یک عرصه همگانی شهری در ارائه فضایی برای تعاملات اجتماعی، آرامش و ارتباط با طبیعت و ایجاد فرصت برای فعالیتهای اوقات فراغت است و ضروری است که این محیط های زندگی، فضایی با قابلیت استفاده برای همه گروه های اجتماعی باشد. فضایی که نه تنها افراد را جذب می کند بلکه آن ها را تشویق می کند تا زمان بیشتری را برای انجام فعالیت های خود و حضور در فضا صرف کنند و در نتیجه رضایت مردم و کیفیت زندگی را بهبود می بخشد و ارزشهای اجتماعی، محیطی و اقتصادی شهر را افزایش می دهد (Abbasi et al, ۲۰۱۶). پیرامون موضوع تعاملات اجتماعی در عرصه های همگانی صاحب نظران متعددی اظهار نظر کرده اند. در این پژوهش کیفیت تعاملات اجتماعی به عنوان متغیر وابسته تلقی گردیده است و امنیت عاملی که به طور مستقیم روی شکل گیری تعاملات اجتماعی در محله های فقیر نشین و پرجمعیت تاثیر دارد، به عنوان متغیر مستقل مورد پژوهش قرار می گیرد.

امنیت را می توان مفهومی با دو بعد عینی به معنای ایجاد شرایط و موقعیت ایمن و بُعد ذهنی به معنای احساس امنیت دانست. بُعد ذهنی امنیت، ارتباط مستقیم با ادراک افراد از آسیب پذیری و تهدیدات پیرامونی دارد و از حضور در فضاهای جمعی و تعامل با سایر افراد جامعه ناشی می شود (Rijswijk et al, ۲۰۱۶). جین جیکوبز، در تبیین امنیت شهری بر فعال بودن فضا به عنوان عاملی در ایجاد یک محیط امن و موفق تأکید کرده است. او معتقد است استفاده بیشتر مردم از خیابانها، ایجاد شهرهای با فعالیتهای ۲۴ ساعته و چشمان ناظر بر فضا، فرصت های بیشتری را برای نظارتهای غیررسمی ایجاد می کند، که این به خودی خود، موجب جلوگیری از فعالیتهای مجرمانه خواهد شد و بر امنیت فضا می افزاید. اسکلامو آنجل^۱ نیز نظریات جیکوبز را دنبال کرد و معتقد است که با ایجاد تغییراتی در محیط فیزیکی و کالبدی به وسیله مشخص کردن حدود مالکیت، کاهش و یا افزایش دسترسی، به منظور افزایش امنیت محیط حمایت می کند، وی بیان کرد که استفاده بسیار از یک قسمت از شهر توسط مردم، موجب افزایش تعداد ناظران و شاهدان می شود که می توان

^۱.Angel

در کاهش جرائم تأثیر مستقیم اعمال نمود. به اعتقاد وی ارتکاب جرم ارتباطی معکوس با شدت فعالیت در خیابان دارد (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۵). از نظر لنگ، امنیت، تأمین آسایش روانی، از طریق قلمروپایی، فضاهای قابل دفاع و خلوت تأمین می شود و اعتقاد دارد که اگر نیازهای اجتماعی مردم با احساس استقلال فردی حاصل از خلوت در تعادل قرار گیرد، تعاملات اجتماعی آسانتر شکل می گیرد (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۵). رویکرد امنیت از طریق طراحی در سال ۱۹۸۹ با هدف تشویق توسعه دهندگان مسکن برای طراحی مکان هایی ایمن در مرحله برنامه ریزی، مطرح گردید (Armitage, ۲۰۰۴: ۹). ابتکار عمل امنیت از طریق طراحی معیارهایی را برای انطباق ارائه می دهد که با همکاری وزارت حمل و نقل، دولت محلی و مناطق طراحی شده اند. امنیت از طریق طراحی شامل امنیت کالبدی، نظارت، دسترسی و خروج، قلمرو پایی و مدیریت و نگهداری می باشد (Gibson, ۲۰۱۶: ۵۲). در ده های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با تحقیقات انجام شده توسط جید کوبز (۱۹۶۱)، جفری (۱۹۷۱) و نیومن (۱۹۷۳) منجر به رواج ایده تأثیر "طراحی شهری در کاهش جرایم محیطی" گردید. رویکرد "امنیت از طریق طراحی" را می توان تکامل یافته رویکرد "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" دانست. در انگلستان "امنیت از طریق طراحی" رویکردی ابتکاری است که در سال ۱۹۸۹ توسط افسران پلیس ACPO تدوین شده و از سوی واحد پیشگیری از جرم وزارت کشور حمایت گردید (Armitage, ۲۰۰۴). تحقیقات آرمیتاژ (۱۹۹۹)، براون (۱۹۹۹)، پاسکو (۱۹۹۹) حاکی از تأثیرات چشمگیر این رویکرد در ایجاد امنیت شهری می باشد. از نظر آرمیتاژ (۲۰۰۹) صرف هزینه برای تحقق استانداردهای رویکرد امنیت از طریق طراحی، سرمایه گذاری ارزشمند محسوب می شود (Armitage & Monchuk, ۲۰۱۰).

اصول رویکرد امنیت از طریق طراحی به طور گسترده ای از دو تئوری "فضای قابل دفاع" و "پنجره های شکسته" تأثیر پذیرفته اند. این تئوری ها می پندارند که وقوع جرایم به نحوی به عنوان یک واکنش در برابر وجود فرصت های مجرمانه در محیط است. به همین دلیل با از بین بردن فرصت ها می توان وقوع جرایم را به میزان زیادی کاهش داد، این اصول پنج گانه عبارتند از:

امنیت کالبدی: ایجاد امنیت کالبدی بدین معنا است که فضاها و اشیایی که معمولاً مورد تخریب یا سرقت واقع می شوند به نحوی طراحی شوند که در برابر جرم مقاوم بوده و از تخریب یا سرقت مصون بمانند. هدف از امنیت کالبدی، دشوار سازی آماج های جرم است. تابدین وسیله کار مجرمین به هنگام ارتکاب جرم مشکل تر شود.

نظارت: محدوده های بر اساس رویکرد امنیت از طریق طراحی به گونه ای طراحی می شوند که بیشترین نظارت طبیعی و غیر رسمی را بدون برهم زدن حریم خصوصی افراد مهیا سازند. انواع نظارت در این محدوده ها عبارتند از: نظارت طبیعی و غیر رسمی که توسط افراد و ساکنان انجام می گیرد، نظارت رسمی و سازمان یافته که توسط پلیس یا نگهبانان صورت می پذیرد و نظارت مکانیکی که شامل بهبود روشنایی و نصب دوربین های مدار بسته (CCTV) است.

ورودی/خروجی: به منظور جلوگیری از ورود غیر ضروری افراد غیر مقیم و متخلفین احتمالی، محدوده ها به گونه ای طراحی شده اند که

حداقل تعداد نقاط ورودی/ خروجی را در خود جای دهند. کنترل دسترسی یا ورودی ها شامل راهبردهای غیررسمی یا طبیعی، رسمی یا سازمان یافته و مکانیکی است.

قلمرو پایایی: قلمرو پایایی متاثر از نظریه فضاهای قابل دفاع اسکار نیومن بوده و برپایه ایجاد تمایز میان فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی استوار است. در تلاش برای دستیابی به حداکثر کنترل اجتماعی به صورت غیر رسمی می باشد. و مفهومی در جهت افزایش احساس مالکیت و در نتیجه حساس شدن ساکنان نسبت به حضور بیگانگان می باشد.

مدیریت و نگهداری: برای حفظ منطقه و ایجاد تصویری مثبت و حفظ و نگهداری محیط، محدوده باید دارای یک سیستم مدیریت برنامه ریزی شده در جهت از بین بردن آشغال و نقاشی های دیواری باشد. اگر جرم در منطقه باشد و به آن رسیدگی نشود، منجر به جرائم جدی تر می شود. اسکوان (۱۹۹۰) از این امر به عنوان "نظریه سرایت" یاد می کند، و بیان می کند که حضور خرابکاری باعث تحریک خرابکاری بیشتر می شود. این امر توسط دانشمندانی مانند زیمباردو (۱۹۷۰) و فیدنی (۱۹۷۳) تأیید شده است که دریافته اند که اختلالاتی مانند ریختن زباله یا آسیب های مجرمانه مستقیماً به رفتارهای ضد اجتماعی بیشتر منجر می شود. اصل مدیریت و نگهداری رویکرد امنیت از طریق طراحی مبتنی بر نظریه پنجره های شکسته می باشد. (Armitage, ۲۰۰۴)، (Armitage & Monchuk, ۲۰۱۰)، (Newman & Freilich, ۲۰۱۷)، (جلوداران، ۱۳۹۶)، (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۲).

روش تحقیق

پژوهش فوق از نظر هدف، توسعه ای-کاربردی است. توسعه ای از آن جهت که این تحقیق در ادامه تحقیقات در زمینه مفهوم امنیت و با در نظر گرفتن رویکردهای جدید در این زمینه صورت گرفته است و کاربردی از آن جهت که این تحقیق به دنبال ارائه الگویی در جهت افزایش امنیت عرصه های همگانی شهری در راستای ارتقاء تعاملات اجتماعی است. از حیث نحوه اقدام پژوهشگر، تحقیق فوق توصیفی - تحلیلی می باشد. از میان روش های گوناگون پژوهش های توصیفی، روش انجام این تحقیق، از نوع پژوهش های همبستگی که به طور مشخص مبتنی بر مدل معادلات ساختاری است، می باشد. در این مطالعه برای جمع آوری ادبیات موضوع و پیشینه ی تحقیق، از مطالعات کتابخانه ای و مقالات و تحقیقات مرتبط با موضوع پژوهش و برای بخشی دیگر از اطلاعات مورد نیاز، با استفاده از پرسشنامه و به صورت میدانی استفاده شده است. روایی ابزار تحقیق با نظر خواهی از کارشناسان، متخصصین و اساتید دانشگاه و همچنین، به صورت همگرا مورد ارزیابی و تایید قرار گرفته است. برای سنجش پایایی از ضرایب پایایی ترکیبی (بزرگتر از ۰/۷) و آلفای کرونباخ (بزرگتر از ۰/۷) استفاده می شود که در صورت مناسب بودن این ضرایب می توان گفت، ابزار پژوهش پایاست. همانطور که در جدول (۱) مشاهده می شود، وضعیت پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ متغیرهای مورد بررسی در سطح مناسبی بوده و نشان دهنده پایایی ابزار مورد تحقیق است.

جدول ۱. آلفای کرونباخ و پایایی ابزار پژوهش

نام متغیر	ضرایب ترکیبی	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس

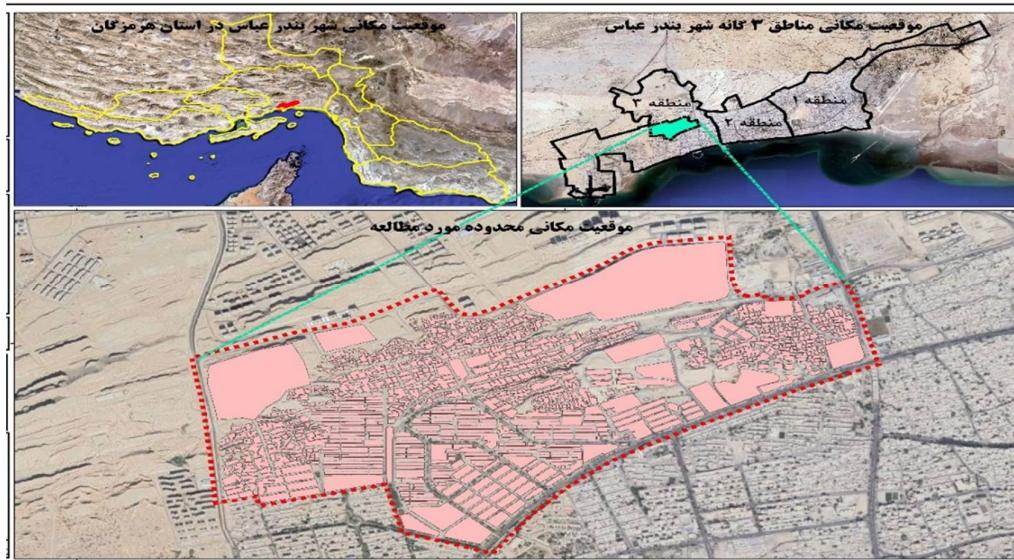
			عاملی		
۰/۶۵۲	۰/۹۳۶	۰/۹۱۸	۰/۷۹۵	امنیت فیزیکی	متغیر مستقل
۰/۵۱	۰/۸۳۸	۰/۷۶	۰/۷۱۱	نظارت	
۰/۹۳۶	۰/۹۸۳	۰/۹۷۷	۰/۹۶۷	ورودی / خروجی	
۰/۶۱۱	۰/۸۲۴	۰/۶۹	۰/۷۷۸	قلمرو پائی	
۰/۶۲۵	۰/۹۰۷	۰/۸۷۳	۰/۷۸۱	مدیریت و نگهداری	متغیر وابسته
۰/۶۳۱	۰/۹۵۳	۰/۹۴۴	۰/۷۸۶	کفایت تعاملات اجتماعی	

ماخذ: (یافته های پژوهش، ۱۴۰۰)

جامعه آماری پژوهش شامل تمامی ساکنان محله دو هزار (کوی ملت) شهر بندرعباس می باشد. که به وسیله آزمون کوکران و نمونه گیری تصادفی تعداد ۳۷۶ نفر برای پاسخ به پرسشنامه ها انتخاب شدند. در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده ها از دو روش آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل همبستگی، رگرسیون و مدل معادلات ساختاری) استفاده شده است. در این راستا برای افزایش دقت در تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزارهای SPSS و Smart PLS استفاده شده است.

محدوده مطالعاتی

شهر بندرعباس از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول ۵۳ درجه و ۴۱ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۱۵ دقیقه شرقی و عرض ۲۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۲۸ درجه و ۵۷ دقیقه شمالی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. این شهر مرکز بخش مرکزی از شهرستان بندرعباس بوده و از شمال با شهر فین، از شرق با شهر قلعه قاضی و تخت و از غرب با شهرستان بندر خمیر همسایه بوده و جنوب آن را آب های گرم خلیج فارس در برگرفته است (مهندسان مشاور توسعه و آمایش البرز، ۱۳۹۱). شهر بندرعباس از اوایل دهه ۴۰ در پی توسعه خاص توسعه ای که شرایط ژئوپلتیک آن ایجاب می کرد، واقع شد. و این امر موجب رشد صنایع و امکانات بندری در این شهر گردید. جمعیت شهر بندرعباس طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵، ۲۶۶۴۸ نفر می باشد (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). بافت اصلی شهر که عمدتاً در پیرامون مرکز شهر شکل گرفته بود شروع به جهت گیری کالبدی جدیدی کرد. محدوده دو هزار شکل (۱) در نیمه نخست دهه ۱۳۵۰ با هدف تامین مسکن کارگران و کارمندانی احداث شد که قرار بود همراه توسعه سریع بندرعباس به عنوان یکی از بنادر اصلی کشور در این شهر اسکان یابند. پس از دهه ۶۰، اراضی واقع در شمال محدوده دو هزار به تدریج وارد بازار غیررسمی زمین و مسکن شدند که واحدهای مسکونی که از خدمات اولیه شهری نیز بهره مند بودند، در این محدوده واقع شدند (مهندسان مشاور توسعه و آمایش البرز، ۱۳۹۱).



شکل ۱.

موقعیت شهر بندرعباس و محله کوی ملت (دوهزار) تهیه و ترسیم: (یافته های پژوهش، ۱۴۰۰)

محله دوهزار (کوی ملت) یکی از محلات قدیمی بندرعباس است و بواسطه وضعیت نامناسب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین کالبدی در بین محلات بندرعباس از رتبه بالایی برخوردار است. بیشتر ساکنان این محله از افراد فقیر و تنگدست می باشند که از راه های غیرمتعارف امرار معاش می کنند (عامری و همکاران، ۱۳۸۹). جمعیت این محله در سرشماری ۹۵ برابر با ۱۸۵۹۵ نفر است. وسعت این محله ۸۵ هکتار است و ۲۰۸ درصد جمعیت شهر را در خود جای داده است (آمایش استان هرمزگان، ۱۳۹۷). مهمترین مشکلات این محله کالبدی، مسائل فرهنگی و اجتماعی می باشد و از طرف دیگر عدم تجانس در بافت های اجتماعی علاوه بر مسائل کالبدی بر مشکلات این محله دامن زده است (عامری و همکاران، ۱۳۸۹).

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی: شاخص های توصیف داده ها به دو گروه شاخص های مرکزی و شاخص های پراکندگی توزیع می شوند. مهم ترین عنصر در مجموعه شاخص های مرکزی میانگین و در ارتباط با شاخص های پراکندگی، واریانس و انحراف معیار هستند. در جدول (۲) یافته های توصیفی شاخص های پژوهش شامل تعداد پاسخگویان، کمترین مقدار، بیشترین مقدار، میانگین، انحراف معیار و واریانس نام متغیر

جدول ۲. یافته های توصیفی مرتبط با متغیرهای پژوهش

نام متغیر	تعداد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف معیار	واریانس
امنیتی	۳۱۹	۱۰	۳۲	۱۷/۹۰۶	۴/۶۲۲	۲۱/۳۶۲
فیزیکی	۳۱۹	۵	۲۳	۹/۱۸۵	۳/۷۴۵	۱۴/۰۲۵
نظارت	۳۱۹	۴	۱۷	۱۱/۶۱۱	۲/۲۸۷	۵/۲۳۲
ورودی	۳۱۹					

						خروجی
۵/۸۷	۲/۴۲۳	۶/۱۷۹	۱۵	۳	۳۱۹	قلمروپایی
۱۶/۵۵۸	۴/۰۶۹	۱۱/۶۶۱	۲۴	۶	۳۱۹	مدیریت و نگهداری
۱۴۲/۹۹۷	۱۱/۹۵۸	۲۶/۱۳۵	۵۹	۱۲	۳۱۹	کیفیت اجتماعی

ماخذ: (یافته های پژوهش، ۱۴۰۰)

آمار استنباطی

مدل یابی ساختاری: برای برآورد اعتبار تشخیصی واگرا^۱ مدل از روش ماتریس فورنل ولارکر^۲ استفاده شد. معیار مهم دیگری که با روایی واگرا مشخص می‌گردد، میزان رابطه یک عامل با سوالاتش در مقایسه با رابطه آن عامل با سایر عامل‌هاست، به طوری که روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک عامل در مدل تعامل بیشتری با سوالات خود دارد تا با عامل‌های دیگر. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر عامل بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن عامل و عامل‌های دیگر در مدل باشد. روش فورنل و لارکر برای بررسی روایی واگرا ماتریسی را پیشنهاد می‌دهند که این ماتریس مشابه ماتریس ضرایب همبستگی متغیرها است با این تفاوت که قطر اصلی این ماتریس حاوی جذر مقادیر میانگین واریانس مربوط به هر یک از ۶ عامل می‌باشد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). همان گونه که در جدول (۳) مشخص شده است، در جاهایی که با رنگ تیره مشخص شده است مقدار جذر میانگین واریانس هر عامل از مقدار همبستگی دو عامل بیشتر است. بنابراین روایی واگرای تحقیق را به روش فورنل و لارکر تایید می‌کنیم.

جدول ۳. بررسی روایی واگرای مولفه‌های اصلی پژوهش به روش فورنل و لارکر

نام متغیر	امنیت فیزیکی	نظارت	ورودی / خروجی	قلمروپایی	مدیریت و نگهداری	کیفیت اجتماعی
امنیت فیزیکی	۰/۸۰۷					
نظارت	۰/۶۹۵	۰/۷۱۴				
ورودی / خروجی	۰/۳۷	۰/۳۶۳	۰/۹۶۸			
قلمروپایی	۰/۶۵۳	۰/۶۷۵	۰/۳۵۵	۰/۷۸۲		
مدیریت و نگهداری	۰/۷۴۵	۰/۶۹۵	۰/۳۸۴	۰/۵۹۷	۰/۷۹۱	
کیفیت اجتماعی	۰/۶۷۴	۰/۶۴۶	۰/۴۱۲	۰/۵۴۴	۰/۷۲۷	۰/۷۹۵

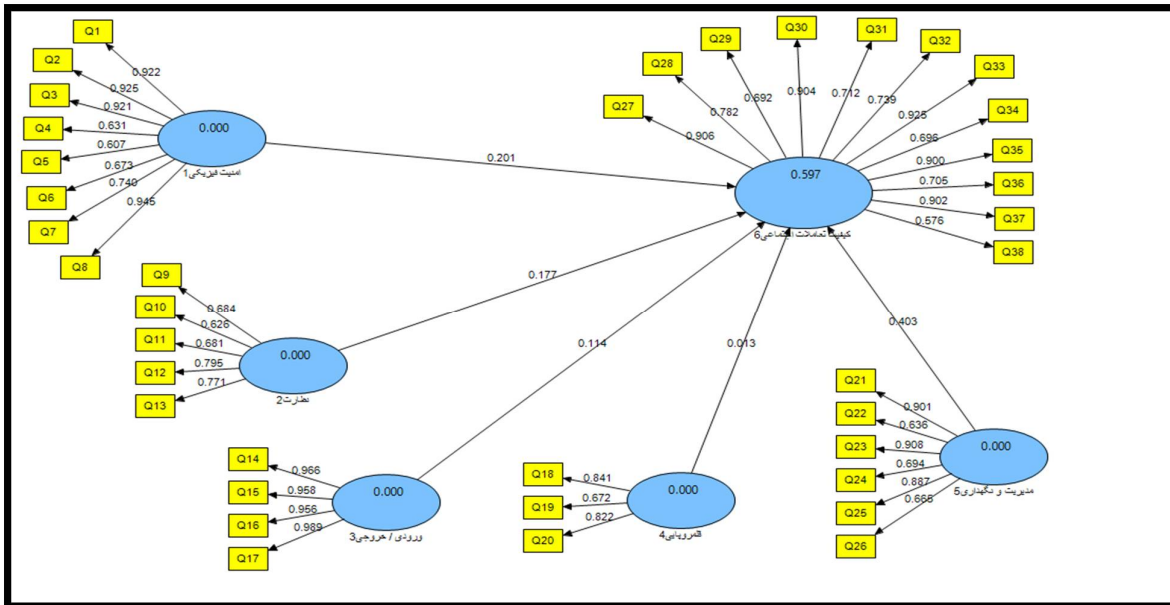
ماخذ: (یافته های پژوهش، ۱۴۰۰)

مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، ۰/۴ می‌باشد. ضرایب بارهای عاملی مربوط به عامل‌های تحقیق از ۰/۴ بیشتر می‌باشد. که در جدول (۲) و شکل (۲) قابل مشاهده است، لذا مدل اولیه قابل تأیید است. با توجه به اینکه مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ ۰/۷، برای پایایی ترکیبی ۰/۷ و برای میانگین واریانس،

^۱.Discriminant Validity

^۲.Fornell&Larcher

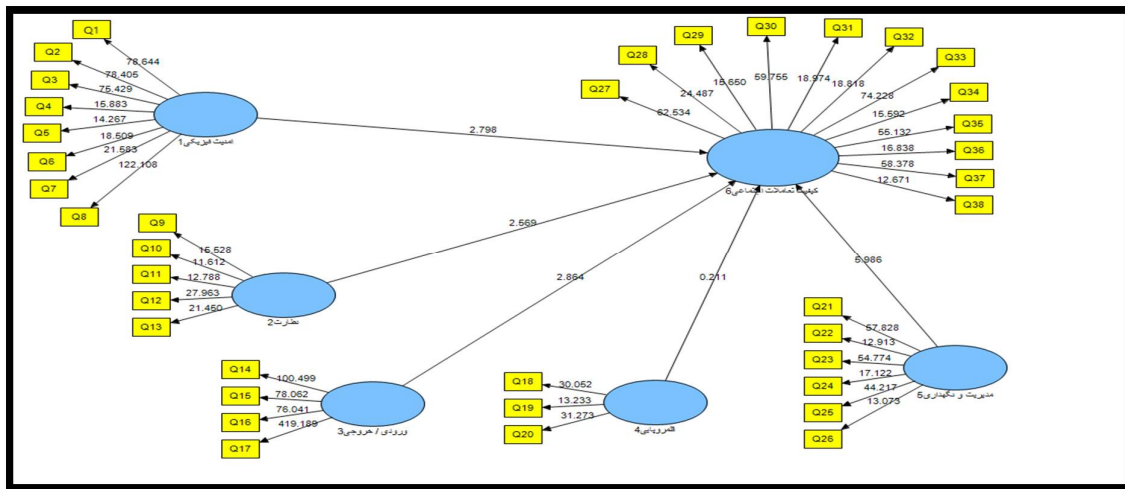
۰/۵ می‌باشد که با توجه جدول (۲) و شکل (۲) تمامی شاخص‌ها بالاتراز مقدار مورد قبول بوده و در نتیجه پایایی ابزار تحقیق مورد تایید می‌باشد. و همان‌طور که در جدول (۲) و شکل (۲) مشاهده می‌شود، تمامی شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش شرایط لازم برای تایید روایی را نیز دارند و در نتیجه می‌توان عنوان نمود روایی ابزار



تحقیق نیز مورد تایید است.

شکل ۲. مدل ضرایب استاندارد تهیه و ترسیم : (یافته های پژوهش ۱۴۰۰)

بخش ساختاری مدل: در بخش ساختاری، ارتباط متغیرهای پنهان با یکدیگر بررسی می‌شود. در این زمینه بار عاملی بین متغیرها نشان دهنده ی میزان ارتباط، و بیشتر بودن عدد معناداری، دلیل وجود ارتباط معنا دارد در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. برای بررسی برازش مدل پژوهش از چندین معیار استفاده می‌شود که اولین و اساسی‌ترین معیار، ضرایب معنی‌داری t یا همان مقادیر t-values می‌باشد. برازش مدل ساختاری پژوهش با استفاده از این ضرایب به این صورت است که این ضرایب باید از ۱/۹۶ بیشتر باشند تا بتوان در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن آنها را تأیید نمود. شکل (۳) نشان دهنده مقادیر t روابط مدل را نشان می‌دهد. همان‌طور که در شکل (۳) مشاهده می‌شود، ضریب t به دست آمده برای تمامی روابط مورد نظر این مطالعه بزرگ‌تر از ۱/۹۶ بوده و این امر نشان دهنده معنی‌داری آن روابط در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. باید توجه داشت که اعداد فقط صحت رابطه را نشان می‌دهند و شدت رابطه بین متغیرها را نمی‌توان با آن سنجید. برای سنجش شدت رابطه از ضرایب مسیر استفاده می‌شود، هرچقدر که ضریب مسیر بیشتر باشد، آن عامل با احتمال قوی اثر بیشتری خواهد داشت.



شکل ۳. مدل ضرایب معناداری تهیه و ترسیم : (یافته های پژوهش ۱۴۰۰،)

جدول ۴. بررسی روابط درون مدل ساختاری

Q ^۲	R ^۲	T-Value	خطی ای استاندارد	ضرایب استاندارد	بررسی رابطه ها درون مدل ساختاری تحقیق
۰/۳۵۹	۰/۵۹۷	-	-	-	کیفیت تعاملات اجتماعی
		۲/۷۹۸	۰/۰۷۶	۰/۲۰۱	امنیت فیزیکی ← کیفیت تعاملات اجتماعی
		۲/۵۶۹	۰/۰۷۲	۰/۱۷۷	نظارت ← کیفیت تعاملات اجتماعی
		۲/۸۶۴	۰/۰۳۹	۰/۱۱۴	ورودی / خروجی ← کیفیت تعاملات اجتماعی
		۰/۲۱۱	۰/۰۳۴	۰/۰۱۳	قلمروپایی ← کیفیت تعاملات اجتماعی
		۵/۹۸۶	۰/۰۶۶	۰/۴۰۳	مدیریت و نگهداری ← کیفیت تعاملات اجتماعی

ماخذ: (یافته های پژوهش ۱۴۰۰،)

جدول (۴) نتایج بخش ساختاری مدل را نشان می دهد. همانطور که مشاهده می شود در این جدول نتایج مربوط به ارتباط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (کیفیت تعاملات اجتماعی) و روابط بین متغیرهای مستقل نیز قابل مشاهده است. براساس نتایج جدول (۴)، ارتباط بین متغیر امنیت فیزیکی به میزان ۰/۲۰۱ است که با توجه به مقدار t ۲/۷۹۸، این ارتباط معنی دار است. همچنین، ارتباط بین متغیر نظارت به میزان ۰/۱۷۷ و مقدار t ۲/۵۶۹ و ارتباط بین متغیر ورودی/خروجی به میزان ۰/۱۱۴ و مقدار t ۲/۸۶۴ و ارتباط بین متغیر مدیریت و نگهداری به میزان ۰/۴۰۳ و مقدار t ۵/۹۸۶ به دست آمده و این نتایج نشان دهنده معنی داری روابط مورد نظر است. همچنین ارتباط بین متغیر قلمروپایی به میزان ۰/۰۱۳ و مقدار t ۰/۲۱۱ نشان دهنده این است که متغیر قلمروپایی با تعاملات اجتماعی رابطه معنی داری ندارد.

برازش کلی تحلیل مسیر: برای تایید کیفیت مدل تحقیق برازش مدل کلی پژوهش ضروری است، مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه گیری و

مدل ساختاری می باشد. و با تایید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می شود. به عبارتی برای محاسبه شاخص تناسب در مدل PLS از روش $GOF = \sqrt{R^2 \times Communality}$ می توان استفاده نمود. با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است و حصول مقدار $GOF = ۰/۶۲۸$ برای مدل مذکور، به این نتیجه می رسیم که مدل از برازش قوی برخوردار است و در نتیجه مدل پژوهش تایید می شود.

بحث و نتیجه گیری

امروزه توجه به امنیت شهروندان و روش های ارتقاء آن، به یکی از اولویت های اساسی طراحان و برنامه ریزان شهری تبدیل شده است. جرائم شهری و ترس از وقوع آن از جمله عواملی است که امنیت را خدشه دار می کند. باید توجه داشت که عرصه های همگانی شهری آینه زندگی و فعالیت های مردمان هر شهر، در هر دوره ای هستند. فعالیت های انسانی در عرصه اجتماعی ضامن بقای زندگی جمعی است که به واسطه عرصه های همگانی شکل می گیرد. توجه به امنیت شهری به عنوان بستر اساسی برای ایجاد تعاملات اجتماعی در عرصه های همگانی مورد اتفاق نظر عموم نظریه پردازان شهری است. رویکرد به کار رفته در این پژوهش "امنیت از طریق طراحی" به عنوان رویکردی است، که براساس آن با به کارگیری طراحی مناسب و هدفمند محیط انسان ساخت، معماران و شهرسازان می توانند مجال ترس از جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند. هدف اصلی این پژوهش شناسایی مولفه های تاثیرگذار امنیت از طریق طراحی بر روی افزایش تعاملات اجتماعی عرصه های همگانی می باشد. روش تحقیق به این صورت است که در ابتدا به جمع آوری پیشینه تحقیق درباره امنیت و امنیت از طریق طراحی و تعاملات اجتماعی در عرصه های همگانی پرداخته شد و سپس برای متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق، معیارها مشخص گردید. سپس هر معیار جهت سنجش فرضیه ها و کیفیت تعاملات اجتماعی با آزمون از طریق نرم افزار SPSS سنجیده شد. و نتیجه حاکی از آن است که بین اصول امنیت از طریق طراحی و کیفیت تعاملات اجتماعی در عرصه های همگانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و در نتیجه با ارتقاء اصول امنیت از طریق طراحی کیفیت تعاملات اجتماعی نیز افزایش می یابد. براساس نتایج به دست آمده از تحلیل مسیر، معیار مدیریت و نگهداری با ضریب مسیر ۰/۴۰۳ بیشترین تاثیر بر افزایش کیفیت تعاملات اجتماعی را در این پژوهش به خود اختصاص داد. همانطور که در پژوهش های (Cozens et ؛ Skogan, ۱۹۹۰؛ Wilson & Kelling, ۱۹۸۲؛ Finnie, ۱۹۷۲؛ Zimbardo, ۱۹۷۰؛ Armitage & Monchuk, ۲۰۱۰؛ Armitage, ۲۰۰۶؛ al, ۲۰۰۱؛ Gibson, ۲۰۱۶؛ Cozens & Love, ۲۰۱۵) نیز ذکر شده بود، معیار مدیریت و نگهداری دارای اهمیت و تاثیر فراوانی بر ارتقاء امنیت و کیفیت تعاملات اجتماعی می باشد. و شاخص های رویت نام خیابان ها و ساختمان ها، ایجاد کریدورهای سبز، جمع آوری وساماندهی آلودگی آب و جمع آوری موش، کبوتر، سگ های ولگرد بیشترین امتیاز را به ترتیب به خود اختصاص دادند. معیار تاثیرگذار بعدی، متغیر امنیت فیزیکی با ضریب مسیر ۰/۲۰۱ می باشد. که طبق پژوهش های (Armitage, ۲۰۰۶؛ Budd, ۲۰۰۱؛ Cromwell & Olson, ۱۹۹۱)؛

۲۰۱۰، Armitage & Monchuk، ۲۰۱۵، Cozens & Love، ۲۰۱۶، Gibson) مهم ترین و تاثیرگذارترین معیار در رویکرد امنیت از طریق طراحی در جهت افزایش تعاملات اجتماعی می باشد اما در این پژوهش رتبه دوم را کسب نمود. و شاخص های اختلاط کاربری ها، تنوع مالکیت ها و اشراف ساختمان ها به خیابان ها و پیاده روها دارای اهمیت بیشتری می باشند. متغیر نظارت با ضریب مسیر ۰/۱۷۷ و متغیر ورودی / خروجی با ضریب مسیر ۰/۱۱۴ رتبه های بعدی را به خود اختصاص دادند. آخرین معیار مورد بررسی در این پژوهش، قلمروپایی است. قلمروپایی متاثر از نظریه فضاها قابل دفاع اسکار نیومن بوده و به اعتقاد وی ساکنان یک محله، فضاهایی را که احساس کنند متعلق به آنهاست بیشتر محافظت و کنترل می کنند و بر تمایز روشن میان فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی استوار می باشد. برخلاف نتایج به دست آمده در بسیاری از پژوهش ها (Neyman، ۱۹۹۵؛ Lasley، ۱۹۹۸؛ Yang، ۲۰۰۶؛ Armitage، ۲۰۱۰؛ Armitage & Monchuk، ۲۰۱۰؛ Bowers & Johnson، ۲۰۱۰؛ Cozens & Love، ۲۰۱۵؛ Gibson، ۲۰۱۶) که قلمروپایی را یکی از مهم ترین معیارها در ارتقاء امنیت از طریق طراحی معرفی می کنند. در این پژوهش، قلمروپایی با ضریب مسیر ۰/۰۱۳ هیچ رابطه معنی داری با متغیر وابسته ندارد.

ارائه راهکارها رویکرد امنیت از طریق طراحی به عنوان رویکردی هدفمند در جهت طراحی کارآمد و هوشمندانه به منظور کاهش جرائم، می تواند نقش موثری در افزایش کیفیت تعاملات اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی و افزایش میزان رضایت مندی شهروندان را داشته باشد. در بخش پایانی سعی گردیده یکسری راهکار براساس نتایج و یافته های پژوهش و در راستای اصول رویکرد مذکور و شکل گیری تعاملات اجتماعی ارائه گردد.

- سرعت عمل خدمات شهری در جمع آوری و پاکسازی پسماندهای فیزیکی و نخاله های رها شده .
- ایجاد فعالیتهای برنامه ریزی شده شبانه، از جمله بازیهای ورزشی و پیاده روی جمعی .
- اصلاح فضاهای متروک شهری مانند اراضی بایر، ابنیه مخروبه و متروکه موجود .
- تلفیق کاربریهای فرهنگی، تجاری و توسعه ای دامنه فعالیتهای فضاهای حاشیه ی خیابان به پیاده روها مانند (کافه ها، رستورانها).
- ساماندهی زمین های بازی برای کودکان تا به سبب آن والدین در محیط حضور پیدا کرده و تعاملات اجتماعی میان ساکنین و شناخت نسبت به هم افزایش یابد.
- نورپردازی مطلوب و کافی و رعایت استانداردهای مبلمان شهری.
- ایجاد تجهیزات، تسهیلات و امکانات کافی در راستای حمل و نقل عمومی.
- ایجاد خدمات حمل و نقل شبانه .
- تزریق کاربری های فعال در طول شب به صورت پراکنده در بافت جهت ارتقاء حس امنیت در شهروندان.
- استفاده از دوربینهای مدار بسته در نقاط مهم.

- آگاهی و اطلاع رسانی به مردم نسبت به فواید اجرای اصول رویکرد امنیت از طریق طراحی در محله .
- افزایش چشمان ناظر بر خیابان از طریق دید باز شوها (درها، پنجره ها) به خیابان و عرصه های عمومی (همگانی) .
- در نظر گرفتن کاربری های مختلط جهت ایجاد تنوع در بدنه ها و از بین بردن یکنواختی در بدنه .
- استفاده از زیرساخت های شهری مناسب مانند پوشش کف، جداره و محوطه سازی.

منابع

- احدنژاد روشتی، م.، و غلامحسینی، ر.، و زادولی خواجه، ش. (۱۳۹۴). بررسی امنیت اجتماعی زنان در پیاده روهای پرتردد کلان شهر تبریز با استفاده از مدل AHP, Topsis و Vikor. جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۲(۱۲) (پیاپی ۲)، ۵۷-۶۷.
- اکبری ریابی، م.، امیرعزادی، ح. (۱۳۹۸). راهکارهای طراحی فضاهای عمومی با هدف شکل گیری تعاملات اجتماعی در محله گنبد کازرون، مطالعات طراحی شهری و پژوهش های شهری سال دوم تابستان (مرداد) ۱۳۹۸ شماره ۳ (پیاپی ۶).
- برنامه آمایش استان هرمزگان (۱۳۹۷)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان هرمزگان، معاونت پژوهشی و فناوری.
- بهرامی، ف.، و مستوفی الممالکی، ر.، و سرایی، م. (۱۳۹۶). تبیین نقش شاخص های کالبدی در راستای ارتقای امنیت شهروندان با رویکرد C.P.T.E.D (مطالعه موردی: بافت فرسوده محله زینبیه اصفهان). جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۴(۱) (پیاپی ۶)، ۱-۲۱.
- جلوداران، ه. (۱۳۹۶). تحلیلی بر فضاهای شهری حاشیه با رویکرد امنیت (SBD) در کاهش آسیب های اجتماعی (نواحی حاشیه شهر همدان)، نشریه مطالعات محیطی هفت حصار، شماره بیستم، سال ششم، تابستان ۱۳۹۶، صفحات ۱۵-۲۳.
- حنایی، ت.، اکبری اوغاز، ز. (۱۳۹۸). تبیین عوامل افزایش امنیت به منظور ارتقا تعاملات اجتماعی معلولین جسمی-حرکتی (مطالعه موردی: خیابان طبرسی شهر مشهد). معماری و شهرسازی پایدار، ۷(۱)، ۸۵-۹۸.
- ذبیحی، ح.، لاریمیان، ت.، پورانی، ح. (۱۳۹۲). ارائه مدل تحلیلی برای ارتقاء امنیت شهری از طریق رویکرد امنیت طراحی (SBD) (مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهرداری تهران)، نشریه مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال پنجم، شماره هفدهم، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۱۹-۱۳۶.
- ذکاوت، ک.، و توزنده جانی، ا. (۱۳۹۷). گونه شناسی و طبقه بندی عرصه های عمومی شهر، ششمین کنگره علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم معماری و شهرسازی ایران، تهران.
- ذکاوت، ک.، و دهقان، ی. (۱۳۹۵). مدل مدیریت خلق مکان و مولفه های سازنده کیفیت در عرصه عمومی. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۷(۱)، ۲۱۵-۲۲۴.

- رحیمی، ه. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل مولفه های فضای عمومی شهری به جهت دستیابی به تعاملات اجتماعی (نمونه موردی: منطقه ۱۲ تهران). فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای ۷۰۸-۶۹۱. (۴) ۱۰.
- سجادزاده، ح.، و ایزدی، م.، و حقی، م. (۱۳۹۶). رابطه پیکره بندی فضایی و امنیت محیطی در سکونتگاه های غیررسمی شهر همدان. معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)، ۲۲(۲)، ۱۹-۲۸.
- سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۵). سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان هرمزگان.
- شجاعی، دل.، پرتوی، پ. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس های مختلف: شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران). باغ نظر، سال دوازدهم، شماره ۳۴.
- صالحی، ا. (۱۳۸۷). ویژگی های محیطی فضاهای شهری امن، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.
- صفائی نمین، ر.، و صفائی نمین، ر. (۱۴۰۰). بررسی و ارزیابی مولفه های فضای عمومی شهری در راستای تقویت تعاملات اجتماعی، دومین کنفرانس بین المللی فناوری های نوین در مهندسی معماری و شهرسازی ایران، تهران.
- عامری سیاهویی، ح.، و تقوی گودرزی، س.، و بیرانوندزاده، م. (۱۳۹۰). رویکرد تحلیلی به بافت های نامناسب شهری بافت فرسوده شهر بندرعباس. آمایش محیط، ۴(۱۲)، ۱۵-۴۵.
- عزیززاده، م.، عنایتی، ب.، و فرزانه، م. (۱۳۹۴). لزوم ارتقای امنیت محیطی در پایداری پارک های شهری؛ با بهره گیری از رویکرد CPTED. معماری و شهرسازی پایدار ۳(۱)، ۱-۱۴.
- غفوریان، م.، و افشین مهر، و.، و نوروزی زاده، ز. (۱۳۹۶). بازشناسی مولفه های پایداری اجتماعی مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی در مجموعه های مسکونی (محله اباذر، تهران). هویت شهر، ۱۱(۳۰)، ۳۱-۴۴.
- گیل، ی. (۱۳۹۴). شهر انسانی، مترجم لیلیا غفاری و علی غفاری، انتشارات علم معمار.
- لشکری، ا.، شادکام، س.، و سپهری نژاد، ع. (۱۳۹۷). ارتقاء تعاملات اجتماعی در عرصه های همگانی شهری (نمونه موردی خیابان راهنمایی مشهد حدفاصل سه راه راهنمایی تا تقاطع با خیابان سناباد)، چهارمین همایش ملی معماری و شهر پایدار، تهران.
- لشکری، ا.، رفیعیان، م.، و عندلیب، ع. (۱۳۹۶). بازشناسی ظرفیت های عرصه های همگانی شهری در جهت تقویت تعاملات اجتماعی با استفاده از تئوری زمینه ای (نمونه موردی: کلانشهر مشهد). علوم جغرافیایی (جغرافیای کاربردی) ۱۳(۲۶).
- لطیفی، غ.، مقبول اقبالی، م. (۱۳۹۸). تحلیل کیفیت فضاهای عمومی مرکزی شهر تهران و پیامدهای آن بر رفاه شهری، نشریه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۸، ۱۱۱-۱۴۴.
- مشک سار، پ.، حیدری، م.، و مشیر، س. (۱۳۹۹). بررسی کیفیت فضا بر تعاملات اجتماعی (نمونه موردی: فلکه اطلسی شیراز)، نخستین کنفرانس بین المللی معماری و شهرسازی طراحی پایدار و فراگیر برای همگان، شیراز.
- مهندسان مشاور توسعه و آمایش البرز (۱۳۹۱). برنامه ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آنها با تاکید بر به سازی شهری بندرعباس با دیدگاه شهرنگر.

- Armitage, R., & Monchuk, L. (۲۰۱۱). Sustaining the crime reduction impact of designing out crime: Re-evaluating the Secured by Design scheme ۱۰ years on. *Security Journal*, ۲۴(۴), ۳۲۰-۳۴۳. <https://doi.org/10.1057/sj.2010.6>.
- Armitage, R. (۲۰۰۴). Secured by design an investigation of its history, development and future role in crime reduction. Doctoral thesis, University of Huddersfield. This version is available at <http://eprints.hud.ac.uk/id/eprint/6912/>.
- Carmona, M. (۲۰۱۴). The Place-shaping Continuum: A Theory of Urban Design Process, *Journal of Urban Design*, ۱۹:۱, ۲-۳۶, DOI: 10.1080/13574809.2013.854695.
- Drags and Crime Prevention Committee (۲۰۱۳). Inquiry into the Application of Safer Design Principals and Crime Prevention through Environmental Design. Authority Government Printer for State of Victoria.
- Gibson, V. (۲۰۱۶) Third Generation CPTED? Rethinking the Basis for Crime Prevention Strategies. Doctoral thesis, Northumbria University. This version was downloaded from Northumbria Research Link: <http://nrl.northumbria.ac.uk/۲۷۳۱۸/>.
- Foster, S., Knuiman, M., Villanueva, K., Wood, L., Christian, H., & Giles-Corti, B. (۲۰۱۴). Does walk able neighborhood design influence the association between objective crime and walking? *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, ۱(۳), ۱-۱۰.
- Freilich, J., Newman, G. Situational Crime Prevention. *Oxford Research Encyclopedia of Criminology*. ۲۹ March ۲۰۱۷. <https://oxfordre.com/criminology/view/10.1093>
- Macias, T., Williams, K (۲۰۱۶). Know Your Neighbors, Save the Planet: Social Capital and the Widening Wedge of Pro-Environmental Outcomes. *Environment and Behavior*, ۴۸(۳), ۳۹۱-۴۲۰.
- Madanipour, Ali (۲۰۱۷). *Cities in Time: Temporary Urbanism and the Future of the City*. Bloomsbury Publishing, London.
- Nasar, J. L., Holloman, C., & Abdulkarim, D. (۲۰۱۵). Street characteristics to encourage children to walk. *Transportation research part A: policy and practice*, ۷۲, ۶۲-۷۰.
- Rijswijk, L. V., Rooks, G., Haans, A. (۲۰۱۶). Safety in the Eye of the Beholder: Individual Susceptibility to Safety-Related Characteristics of Nocturnal Urban Scenes. *Journal of Environmental Psychology*, ۴۵, ۱۰۳-۱۱۵.
- Yu, D. and Fang, Ch. (۲۰۱۷), The dynamics of public safety in cities: A case study of Shanghai from ۲۰۱۰ to ۲۰۲۵, *Habitat International*, Vol. ۶۹, PP.